

عنوان مقاله:

سیمای هزار افسانه در تفکر کودکان خوانشی نو در باب الگوهای تربیتی هزار و یک شب در ادبیات تعلیمی کودکان

محل انتشار:

پنجمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسندگان:

میثم خویینی - کارشناس ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، گروه زبان و ادبیات فارسی

بهمن بهرامی منفرد - کارشناس دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، گروه زبان و ادبیات فارسی

خلاصه مقاله:

ریختن مسایل تعلیمی در قالب افسانه ها و شخصیت های خیالی مانند غول و پری و ... به جهت آموزش به قشر کودک، همانند صمیمیت آب است برای شستن جراحت. انتقال و بیان مسایل آموزشی از طرق غیر مستقیم و همچنین بیان داستان های تو در تو در ژانرهای خیال و افسانه با کمک گرفتن از تکنیکهای اقناع و مزین ساختن قصه ها به ظرایف فرعی، از روشهای رایج در ادبیات کهن بوده است. یکی از بارزترین ویژگی های هزار و یک شب که در این جستار مورد مذاقه قرار میگیرد، بیان مفاهیم اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و آموزشی، در قالب حکایت و افسانه هاست که با توجه به درون مایه های این اثر، روایت و شخصیت پردازی، محتوای حکمی و اخلاقی، تصویرآفرینی و ملموس کردن مفاهیم انتزاعی در آن، میتوان این سوال را مطرح کرد که آیا هزار و یک شب با وجود اینکه از زمره آثار بسیار کهن و دارای بن مایه های اساطیری میباشد، با این وجود میتوان از این آبخور گوارا سهمی نیز برای تربیت کودکان امروز در نظر گرفت هدف این جستار نمایش آموزه های اخلاقی و مهارت های اجتماعی با بررسی عناصر تعلیمی مربوط به ادبیات کودک و همچنین اثبات قابلیت همسانسازی این آموزه ها با شرایط آموزشی مدرن میباشد.

کلمات کلیدی:

قصه شناسی، هزار و یک شب، ادبیات کودک، تعلیم و تربیت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/815253>

